

نگته‌ها و تازه‌های

رحیم مسلمانیان قبادیانی

فرهنگی و تاریخی از دوشنبه،

بخارا، سمرقند، و... (۱)

۱۱۲

جنبش

در جمهوری تاجیکستان، پس از کسب استقلال، آنچنانکه انتظار می‌رفت، نشریه‌های تازه‌ای عرض هستی کردند که «استقلال»، «ثمر»، «چرخ گردون»، «جنبش»، «سروش» از جمله آنهاست. تاجیکستان که جامعه نوین بنیاد می‌کند، نیاز به گفتنها و شنیدنها، پیشنهاد و تحلیل و بررسی‌ها دارد، تاراهی درست و روشن برگزیده شود.

باعث خرسندی است که بیداری مردم، حفظ استقلال کشور، تشویق به تحکیم صلح و آشتی، دعوت به بازسازی، جانبداری از قانونمندی و جامعه مدنی، و... از موضوعات مرکزی همین نشریه‌ها به‌شمار می‌آیند.

هفته‌نامه «جنبش» - نشریه جنبش ملی تاجیکستان که پانزده شماره از آن به‌دست ما رسید، نفوذی میان خوانندگان و به‌ویژه اندیشمندان و فرهنگیان پیدا کرده است.

شعار «جنبش» این بیت از خواجه شیراز است که در هر شماره، بالاتر از عنوان تکرار می‌یابد:

کمتر از ذره نهی، پست مشو، مهر بورزا!

تا به خلوتگه خورشید رسی رقص کنان!

هدف مرکزی «جنبش» که از شعر خواجه هم روشن است، این است که اهل جامعه تاجیکان باید خود را بشناسند، محیط را بشناسند و تازمان را دریابند و در جایگاه شایسته خود قرار داشته باشند، مگر نگفته‌اند که هر که خود را نشناسد، خدا را هم نشناسد!؟

در «جنبش» مقاله و اخبار و مطالب گوناگون در موضوعات فرهنگی و تاریخی و اجتماعی منتشر می‌شوند؛ در صفحات آن چهره‌های سرشناس ادبی و سیاسی تاجیک حضور دارند. این رفتار شایسته‌ترین و توسعه‌است که در «جنبش» برای عقاید مختلف امکان شرکت داده می‌شود، یعنی که هر مؤلف می‌تواند فکر خود را، با مراعات آداب، عرضه نماید.

در صفحات «جنبش» اشعار سخنوران شناخته، به مانند بازار صابر، لایق شیرعلی، گل نظر، غفار میرزا، نظام قاسم، محمدعلی حیدر شاه، محمدعلی نورعلی، و... همچنین سروده‌های شاعران جوان چاپ و منتشر می‌شود.

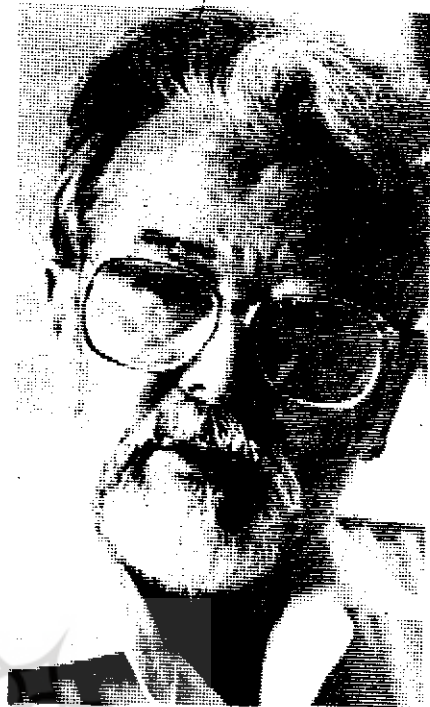
وطن‌داری ز فردوسی بیاموز!

یکی از گامهای ارزشمندی که رسانه «جنبش» برداشت و آبروی شایسته یافت، آزمونی بود در موضوع «فلسفه و وطن‌پرستی «شاهنامه» حکیم فردوسی. این آزمون که برای بهترین شعر، منظومه، مقاله، نمایشنامه، اثر موسیقی در شماره دوم (اوت سال ۱۹۹۷ م) اعلام شده بود، در دسامبر ۱۹۹۷ (شماره ۱۲) جمع‌بندی یافت.

«جنبش» در ظرف پنج سال این اندازه مواد به طبع رساند که هیچ رسانه‌ای در هیچ‌جایی در حق فردوسی این کار را نکرده است. مقاله‌های دکتر ظاهر احراری «سیمای فردوسی در سخن پارسی»، آقای سید برهان بزرگمهر «فردوسی حکیمی است دایرةالمعارف و در حدّ بالا موحد»، دکتر کامل بیگ‌زاده «فردوسی، فیلسوفی ناشناخته»، دکتر علی محمدی خراسانی «گرشاسپنامه نخستین و بهترین پیروی از «شاهنامه» و اندیشه‌های والای آن»، دکتر جمال‌الدین سیدزاده «رتبه دانای طوسی، رتبه پیغامبر است!»، پروفیسور خدایی شریف‌اف «فردوسی و مدح سلطان محمود»، دکتر ولی صمد «چرنی شفسکی و فردوسی»، آکادمیسین احمدجان محمدخواجه «مقام خرد از نظر حکیم فردوسی»، دکتر میرزا ملااحمد «هنر شخصیت‌آفرینی فردوسی»، دکتر بهرام ناظمی «درفش سرافراز ایران» و... مهم‌ترین جنبه‌های آثار حکیم طوسی را فرا گرفته‌اند. بسیاری از این نوشته‌ها، در برابر اینکه اهداف تبلیغاتی را دربر داشته‌اند، باز حاوی نکات و نگاه تازه نیز هستند که سهمی بارز در فردوسی‌شناسی خواهند بود.

در شماره سوم «جنبش» از «دیوان غربی و شرقی» هوته بخش «فردوسی» به چاپ رسیده که آن را از آلمانی به فارسی تاجیکی دکتر شیرعلی رحیم برگردانده است. باید گفت که نوشته‌ی شاعر شهیر آلمانی درباره‌ی دانای طوسی بارها ترجمه و چاپ شده بود، و اما می‌توان گفت که ترجمه‌ی دقیق آن اکنون صورت گرفت. می‌سزد، بخش پایانی از آن نوشته این‌جا نقل شود:

«فردوسی تمام روایت و افسانه‌های قدیم، رخدادهای تاریخی کشور و دولت را گرد آورده، چنان استادانه به‌رشته‌ی نظم کشید که برای پس‌آندگان و جز آنان که در هر مورد به «شاهنامه» روی آورند و آنرا شرح و توضیح کنند، دیگر راهی نماند، چه جای آنرا تکمیل دادن و چیزی نو افزودن». قهرمان ملی تاجیکان، شادروان باباجان غفوروف در زمینه چاپ و نشر «شاهنامه» کارهای



○ رحیم مسلمانیان قبادیانی

فراوان سودمندی را انجام داده‌اند که یکی از آنها تهیه و طبع متن علمی و انتقادی شاه‌نامه‌هاست که در ۹ مجلد در فرهنگستان علوم اتحاد شوروی (مسکو) صورت گرفت و تاکنون بهترین متن محسوب می‌شود. یکی دیگر از کارهای نامبرده، مقدمه‌ایست به گزیده «شاهنامه» به زبان روسی که سال ۱۳۵۰/۱۹۷۲ در مسکو چاپ و نشر شده بود. این مقاله را که «فردوسی، شرف و افتخار تمدن جهانی است» عنوان دارد، بار نخست در تاریخ چاپ و نشر تاجیکستان، «جنبش» در شماره‌های ۴ و ۵ به طبع رسانده است.

شعر هم درباره حکیم فردوسی در هر شماره منتشر شده — چنانچه: از میرزا باقی «سروش فردوسی»، کامل بیک‌زاده «فردوسی را نشناختند»، حاجی مراد «فردوسی»، سلیم زرفشانفر «قلم سیری پیرامون «شاهنامه»، عثمان شریف‌زاده «سروش کیومرث»، بانو شهریه «مناجات با استاد فردوسی»، صفر محمود «فریاد فردوسی»، «فردوسی» و «شاهنامه»، غفار میرزا «شاهنامه»، نظام قاسم «قصیده افتخار فردوسی»، بانو گل‌رخسار «شاهنامه وطن است»، گل‌نظر «صدای آشنای دور» و یک دسته دوبیتی، و... افزودنی است، میان سخنوران تاجیک شاید کسی پیدا نشود که درباره فردوسی و «شاهنامه» وی شعری نسروده باشد.

آزمون در ۲۳ دسامبر ۱۹۹۷ م (۲ دی‌ماه ۱۳۷۶) در تیاتر به‌نام عینی، در حضور صدها تن از اهل فرهنگ و ادب شهر دوشنبه جمع‌بندی شد. رئیس جنبش ملی تاجیکستان، دکتر حاکمشاه محبت‌وف گزارشی با عنوان «فردوسی، بنیانگزار اندیشه ملی و میهن‌خواهی مردمان فارسی‌زبان»

ارائه نمود که متن آن در شماره‌های ۱۳-۱۱ به طبع رسیده است. مقالات پروفیسور خدایسی شریف‌وف و دکتر ولی صمد، شعرهای بانو شهریه و سلیم زرافشانفر، نمایشنامهٔ دانهٔ بهرام («توانا بود») برندهٔ آزمون اعلان شدند.

برای آن خوانندگان گرامی که می‌هشتان، به لطف پروردگار، زیر خطر نبوده است، شاید عجب باشد که چرا تاجیکان خود را به شاخ و برگ «شاهنامه» آویخته‌اند؟ توضیح این است که این مظلومان همیشه با دشمنان وطن رویاروی بوده‌اند و هستند، هر کجا وطن ساخته‌اند، از آن محروم گشته‌اند. و همین حقیقت تلخ، یعنی خطری که امروز هم بر سر تاجیکستان تهدید می‌کند، اندیشمندان را واداشته که توسط حکیم فردوسی و آفریدهٔ بی‌ماندوی، مردم را به بیداری و هشیاری دعوت کرده باشند.

استاد بازار صابر شاعرانه گفته است، و اما گفته‌اش معنی حیاتی دارد:

گویند اگر: «کلمهٔ خود را تو عرضه کن!»

می‌خوانم از نوشتهٔ فردوسی بیتها،

چون از جواب نامه، به مانند مرده‌ها!

(«فردوسی»)

نامه به یونسکو

اتحادیهٔ بین‌المللی نویسندگان کشورهای مشترک‌المنافع که بیش از ده‌هزار تن شاعر و نویسنده را در بر می‌گیرد نامه‌ای به دبیرکل یونسکو، جناب آقای فدریکو مایور ارسال کرده و دعوت به عمل آورده تا از پیشنهاد رئیس‌جمهور تاجیکستان، جناب آقای امامعلی رحمانف، دربارهٔ تشکیل تجلیل هزار و صدمین سال تأسیس دولت سامانیان، جانبداری شود، چون این حادثهٔ تاریخی از مرزهای خلقی و منطقه‌ای بیرون رفته و به تاریخ بشر تأثیر کرده است، تجلیل در سراسر جهان فرهنگی برپا گردد.

در نامه که با امضای سرگی میخالکف، هم رئیس اتحادیهٔ بین‌المللی نویسندگان، تیمور پولادوف، دبیر اول همین اتحادیه، رسول حمزتف، دبیر کمیتهٔ همین اتحادیه صادر شده است، از جمله آمده: «این سنهٔ تاریخی نه تنها شکل دولتمداری تاجیکان، بلکه پیش از همه شکل و رشد زبان و فرهنگ و علم و هنر را در منطقهٔ بزرگی افاده می‌نماید. شعر بزرگ فارسی تاجیکی که سراسر جهان را تسخیر نموده است، در همین دوره ترقی کرد. تنها ذکر نام شاعران مشهور، مانند رودکی، فردوسی، بوعلی سینا، خیام، سعدی، حافظ، جامی و بسیار دیگران کافی است که هوته دربارهٔ ایشان گفته بود: «جز اینها دهها تن شاعر ایرانی هستند که از من ده سروگردن بلندترند». همهٔ خاورشناسان، از جمله انگلیسی‌براون، آلمانی اته، چک ریپکا، روسها بارتولد، برتلس، بلدروف، بوگولیوبف، تاجیکها باباجان غفوروف، صدرالدین عینی، دانشمندان ایرانی سعید نفیسی، بهار، پرویز ناتل خانلری و دیگران دربارهٔ اهمیت دولت سامانیان و رشد علم و فرهنگ، زبان و ادبیات و تأثیر آنها بر تمدن اهل بشر با دلایل اظهار عقیده کرده‌اند.»

در ادامه گفته شده: «اتحادیهٔ بین‌المللی نویسندگان کشورهای مشترک‌المنافع که نویسندگان



زبان و ادب فارسی در فرارود

رحیم سامانیان بیادینی

تاجیک نیز اعضای آن هستند، از شما، جناب آقای دبیرکل یونسکو مصرانه دعوت می‌کند که سال ۱۹۹۹ را رسماً سال بزرگداشت دولت سامانیان و سال جهانی فرهنگ و ادب باستانی فارسی تاجیکی اعلام کنید.

در بخش پایانی نامه آمده است: «شما، جناب آقای دبیرکل را باور می‌کنانیم که نویسندگان و عالمان روسیه و همه کشورهای مشترک‌المنافع در تسجیل این جشن پُرشرف فعالانه شرکت ورزیده، و با این واسطه در بابت به‌اعتدال آوردن اوضاع و استقرار صلح پایدار در سرزمین باستانی تاجیکان سهم خواهند گذاشت».

(«جمهوریت»، ۶ نوامبر ۱۹۹۷ م)

آزمونی دیگر

آمادگی به جشن شکوهمند هزار و صدمین سالگرد بنیانگذاری دولت سامانیان گرم جریان دارد: جلسه‌های علمی و ادبی برگزار می‌شوند، شعر و خبر و مقالات به‌چاپ می‌رسند، برنامه‌های ویژه رادیو و تلویزیون، نشر کتاب...

خرسندی‌بخش است که در این کار نیک فرهنگی و اجتماعی سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران نیز در کنار نمانده. چنانکه از رسانه‌های تاجیکستان برمی‌آید، این سفارتخانه برای پنج اثر بهترین تاریخی، علمی، ادبی، فرهنگی، هنری و سیاسی آزمونی اعلام داشته که هر یکی به مبلغ یک میلیون روبل تاجیکی جایزه خواهد داشت.

آزمون را در آستانه جشن فرخنده یعنی پایان تابستان سال آینده، کارشناسان صاحب تجربه جمع‌بندی خواهند کرد.

سریز، گنجی است که ازدها در بغل دارد...

۸۷ سال پیش از این، شب ۱۸ فوریه سال ۱۹۱۱ م، ساعت ۲۳ و ۱۵ دقیقه زمین‌لرزه سختی در منطقه پامیر رخ داد و بر اثر آن پاره‌ای از رشته کوه «مُرْکول» کنده شد و به رودخانه «مُرْغاب» («برنگ») بند انداخت. آن‌گاه دیهه «اوسای» زیر کوه پاره ماند.

در ماه اکتبر همان سال، دیهه «سریز» که از «اوسای» بیست کیلومتر در طرف شرق فاصله داشت، زیر آب ماند. کوه پاره لغزیده دو میلیارد و ۲۲۰ میلیون متر مکعب، یا شش میلیارد تن وزن داشت. در پاییز سال ۱۹۱۳ م، گ.ا. ایشپنکو بررسی‌هایی در «سریز» انجام داد و معلوم شد که این دریاچه ۲۸ کیلومتر طول و ۲۸ متر عمق دارد، و آب آن در ساعتی یک و نیم سانت‌متر (در شبانه‌روز ۳۶ سانت‌متر) بالا می‌آید.

در آوریل سال ۱۹۱۴ م، در جایی ۱۵۰ متر پایینتر از سطح آب دریاچه، مقداری آب، راه خروج پیدا کرد. از سال ۱۹۲۳ م آب دریاچه «سریز» در حال نسبتاً ثابت قرار دارد.

مشخصات دریاچه «سریز» امروز به صورت زیر است:

— درازی: ۵۵/۸ کیلومتر،

— بلندی مطلق از سطح آب، ۳۲۶۲ متر،

— پهنای بیشتر: ۲/۳ کیلومتر،

— عمق بیشتر: ۴۹۹/۶ متر،

— میدان عمومی سطح آب: ۷۹/۶۳ کیلومتر مربع،

— حجم بیشتر: ۱۶/۰۷۴ کیلومتر مکعب...

در «سریز» اکنون ۹۰ درصد آب خرج سالانه رود آمو، بزرگترین رودخانه آسیای مرکزی گرد آمده است. این همه آب، شیرین و زلال است. و اما...

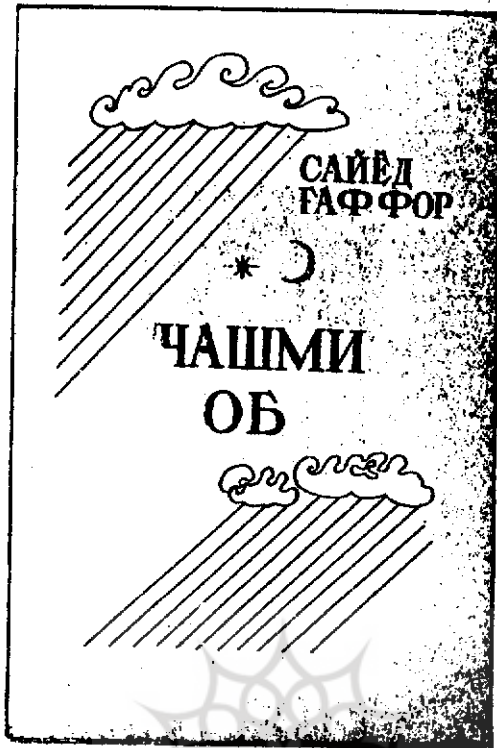
خدای نکرده، زمین‌لرزه‌ای پیش‌آید و بند دریاچه کنده شود، بیش از پنج میلیون آدم و بسیاری از شهر و دیهات تاجیکستان و افغانستان و ازبکستان و ترکمنستان زیر آب خواهند ماند. جز زمین‌لرزه، آب شدن یخ‌های زیرزمینی، ته‌نشینی گِلِ قعر دریاچه و کدام حادثه دیگر طبیعی و حتی مصنوعی نیز لزماً احتمال دور نیست.

تاجیکستان، در این موضوع بارها جلسه علمی آراسته است، اما راه پیشگیری هنوز یافت نشده است.

(اسناد از «نوروز و وطن»، سال ۱۹۹۷، شماره ۸۶)

نامه الف. عین.

نامه دانشجویی دریافت شد؛ نامه‌ای که به دیده آب آورد. خواستم آن، با اندکی اختصار، و اما



روی جلد کتاب «چشم آب» از صیاد غفار

بدون تصرف، نقل شود. هم به خاطر شناخت روحیه دانشجویان ما، و هم برای آشنایی با شیوه نگارششان. «اولاً، بپذیرید سلام یک تنی که خامه امید را به روی اوراق سفید از غم و غصه‌ها، از شکست و ریخت، از بُرد و باخت، از هر چه که او را فرا گرفته، گلگون می‌سازد... سخن بسیار باشد، جرأت نیست، نفس از ترس نتوانم کشیدن»

نامه سرشار از مهر و صمیمیت و کتاب شاعر دوست‌داشته‌ام بازار صابر را گرفتم. تشکراً اگر در حیات بی‌معنی و پوچم، دو روز خوشبختی موجود باشد، یکی از آن روزها گرفتن نامه شما می‌باشد.

این شام خانه دلم را سنیه چراغ اندوه و درد، یأس و نومیدی روشن ساخته. خوب و خیلی نیک می‌دانم که محیط جمعیت امروزه کاخ امید و آرزویم را ویران، دل حساسم را گریان، بیکرم را بیجان، نخل عشقم را خزان گردانده، باز می‌خواهد (!) که در گلویم صدای الم‌ناکی بنده را فشار دهد. افسوس که تاجیکستان به تازیکستان مبدل گشته. این زمان برای من و من برین^۱ آزاداندیشان نیست، و یا شاید، برعکس: من برای این زمان نیستم. نمی‌دانم، خداوند هنگام آفریدن برای چه فقط به خاک غم جسم من بیچاره را سرشته است؟!

۱. مانند مایان.

خیر، عذر می‌پرسم. احساس می‌کنم که روبه‌رویم نشسته و به‌اندیشه فرو رفته‌اید. گرمی سخن، پاکی طینت، دل صاف شما موجب آن گشته که این راز و نیاز روی کاغذ آیند. این سطرها سخنبازی نیستند.

باز از نو، مصراعهای شعرگونه خویش را به سراغتان می‌فرستم (...)
باعث فخر ملت تاجیک است که شما (...) در ایران هم از پی آموزش معرفت و پیشرفت علم هستید. شما خوشبختید، از آن جهت - دنیای علم و دانش را دور از وطن هم ترک نگفتید. تا آن وقتی که فرزندان وطن ما در غریبی هستند، ملت خود را به معنی نامش «ملت» گفته نمی‌تواند. بیهده نگفته‌اند:
رو به‌هند آوردن صاحب‌دلان، دانی، ز چیست؟

روزگار آینه را محتاج خاکستر کند!

در پایان نامه بی‌سر و نوکم، پیشکی، برای خطاهایم عذر می‌پرسم. خداوند شما را در پناهش نگه دارد. و هر چه تیزتر تاجیکستان آرام یابد، به‌وطن عزیز برگردید. سرزمین ما از قدمهای مبارک شما، بازار صابر، و دیگر روشنفکران پرنور می‌شود، زیبا و میزبان می‌شود. و خدا خواهد، آن روز دور نیست که دیده به‌دیدار رسد.

باور کنید، غیر شما، من این شعرها را در دو سه سال آخر به کسی نشان نداده‌ام و نخواهم داد. آرزو داشتم و دارم که با استاد بازار صابر هم صحبت کردم، اما کوی مقصود سربسته است و ما برینها امکان آرزو کردن هم ندارند:

ماییم و آب دیده، در گنج غم خزیده
از آب دیده ما صد جای آسیا کن!

من انتظارم، جواب نگاشته‌هایم را. خداحافظ!
با احترام صمیمیت - شاگردان الف. عین.

دوشنبه شهر، ۱۵/۱۰/۱۹۹۷.

«خانه ایران» در دانشگاه تاجیکستان

حدود ۳۵ سال پیش از این، در دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان - دانشکده زبان و ادبیات فارسی تاجیکی - با سعی و تلاشهای شادروان پروفسور شریف‌جان حسین‌زاده، کتابخانه‌ای تأسیس یافت که بعداً «گنجینه جامی» را به‌خود گرفت. پس از مدتی در دانشکده خاورشناسی (از همین دانشگاه) نیز کتابخانه «سعید نفیسی» بنیاد یافت که در این کار خدمت‌های شادروان دکتر فیض‌علی نجمانف، رئیس دانشکده، و روانشاد استاد دکتر حسنی بزرگ است. (باید افزود که روانشادها، دکتر سعید نفیسی و دکتر پرویز ناتل خانلری در دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان درس گفته‌اند و دکترهای افتخاری همین دانشگاه محسوب می‌شوند).

اینک در دانشکده زبان و ادبیات فارسی تاجیکی «خانه ایران» باز شد.

رسانه «چرخ گردون» در شماره ۶۵ خبر داده که نمایش کتابهای ایران تشکیل شد و در مراسم آن



روی جلد کتاب توأمی خواهیم ای دنیای راز سروده خانم نزاکت سفر

وزیر محترم امور خارجی جمهوری اسلامی ایران، دکتر کمال خرازی و سفیر محترم ایران گرامی، آقای سیدرسول موسوی حضور داشتند.

پس از نمایش، حدود هزار جلد کتاب در تاریخ، زبان، ادبیات، فرهنگ، فلسفه، جغرافیا به دانشکده اهدا می گردند و در همین زمینه «خانه ایران» (در صنف خانه ۵۰۷) تشکیل یافت. دانشجویان و استادان دانشگاه این امید را می پرورند که نشریه های ادبی و درسی راز از ایران گرامی پیوسته دریافت نمایند، تا در تحصیل و پژوهشها موفق تر باشند.

پیوند

شماره دوم «پیوند» - نامه انجمن تاجیکان و فارسی زبانان جهان - چاپ و نشر شد؛ انجمنی که بنیانگزارش شهید آکادمیسین محمد عاصمی بودند و اکنون ریاست آن را دکتر کمال عینی بر عهده دارند. در پیشگفتار مجله از جمله آمده: «اولین شماره «پیوند» (...) سال گذشته پا به عرصه حیات فرهنگی نهاد، بدین امید که حلقه وصلی باشد که دستداران ناصر خسرو و بیدل و نظامی و مولانا و سعدی و... را گرد هم آورد».

این دفتر با گزارش جناب آقای امامعلی رحمانف، ریاست محترم جمهوری تاجیکستان، آغاز یافته است. اوضاع و احوال کشور، مشکلات موجوده و راههای برطرف کردن آن، از نکات مهم ترین این سخنرانی می باشند. رئیس جمهور در فرآورد گفته اند: «من ایمان کامل دارم که

تاجیکستان مادر آینده نزدیک به یکی از کشورهای بانقوذ و مترقی دنیا تبدیل می‌یابد. برای این تمام شرایط و زمینه هست. هم آب و خاک حاصلخیز، هم ثروتهای زیرزمینی، هم ذخیره‌های بی‌همتای انرژی، هم طبیعت زیبا و تکرار و هم خلق پرطافت و محنت‌دوست.

بیاید، همین سرزمین اجدادی خود را حفظ کنیم، از پاره شدن نگاه داریم، آنرا آباد و زیباتر گردانیم. بیاید، خود را چون وارثان ارزنده دولت سامانیان نشان داده، در آغاز عصر بیست و یک تاجیکستان عزیز را در ردیف کشورهای پیشرفته عالم جای دهیم». (ص ۱۸)

«ما برای وصل کردن آمدیم» - عنوان سخنرانی جناب آقای صفرعلی رجب‌وف، رئیس محترم مجلس ملی تاجیکستان، «جایگاه زبان فارسی در تعمیق روابط فرهنگی بین ملت‌های منطقه» - گزارش دکتر علی اصغر شعر دوست از مطالب دیگر این دفتر می‌باشند.

دانشمند شناخته تاجیک، استاد محمد جان شکوری که با تألیفات فراوان خود درباره زبان و ادبیات و فرهنگ و معنویت مشهور هستند، مقاله ارزشمندی با نام «ملت، وطن، ایمان عوض ناپذیر است» به چاپ رسانده‌اند.

از مثنوی «شهریار نامه»، سروده عثمان مختاری غزنوی، شاعر شهیر سده ششم هجری، یک نسخه خطی ناقص معلوم بود: در موزه بریتانیا (لندن). و اکنون دفتر کمال عینی نسخه دوم و کامل تر آن را در کتابخانه دستنویسهای فرهنگستان علوم تاجیکستان پیدا کرده‌اند که «پیوند» از این هم مژده داده است (ص ۵۶-۴۹).

دفتر دوم «پیوند» از صلح و آشتی در تاجیکستان اسناد و مطالب زیادی به طبع رسانده است.

پیراهه نیما

همین سال ۱۳۷۷/۱۹۹۸ دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان پنجاه ساله می‌شود. به این مناسبت، انتشارات دانشگاه کتاب دکتر عمر صفروف «پیراهه نیما» را چاپ و نشر کرده است.

نیما یوشیج، شاعری که حدود ۷۵ سال پیش از این، پیراهه‌ای در شعر فارسی باز کرد، پیراهه‌ای که اکنون، می‌توان گفت، به شاهراه تبدیل یافته است. روشن است که سبک تازه این سخنور نام‌آور ایرانی در تاجیکستان نیز هواداران خود را دارد، هوادارانی که موفق هم هستند. به این معنی، تماماً طبیعی است که در تاجیکستان آثار این شاعر چاپ و نشر شود و مورد بررسی قرار گیرد.

در بخش نخست از کتاب «پیراهه نیما» نگاهی کوتاه به قانونمندیهای شعر نیمایی افکنده شده است. بخش دیگر، «هنر و هنرمند از دیدگاه نیما» عنوان دارد و اینجا خیلی از گفته‌های شاعر بزرگ نقل و بررسی شده و مثالی از آثار خود وی نقل یافته‌اند. نویسنده کتاب به جایگاه و رسالت اجتماعی هنرمند اعتباری جداگانه داده است.

در بخش «شمع نیما فروزان است» نوشته‌های فروغ فرخ‌زاد و مهدی اخوان ثالث، شعرهای نصرت رحمانی و هوشنگ سایه آمده‌اند.

بخش پایانی کتاب - «نمونه‌ای چند از اشعار نیما» - شعرهای «ای عاشق افسرده...»، «زیبایی»،



«از عمارت پدرم»، «باسها از شب گذشت»، «فایق»، «نه، او نمرده است!»، «سایه خود»، «مادری و پسری» را به خط سریلی تاجیکی دربر کرده است. و در پایان این بخش رباعیات نیز آمده، با نقلی از نوشته‌های خود شاعر بزرگ، چنانچه: «دوره ما دوره آزاده نیست. دوره از بین بردن آثار قدیم است. (بدتر از مغول). دوره کشتار است. (بدتر از مغول). دوره‌ای است که نمی‌گزارد فکری سر پا باشد. (و مغول این طور نبود) در رباعیات خیلی مطالب را گفته‌ام. رباعیات یک راز نگهدار عجیبی برای من شده است». (ص ۵۰)

چشم‌انداز شعر امروز تاجیک

عنوان کتابی است از دکتر علی اصغر شعر دوست که در دوشنبه، توسط انتشارات «ادیب» سال ۱۳۷۶/۱۹۹۷ به تعداد پنج هزار جلد به رسم الخط سریلی تاجیکی چاپ و نشر شده است. کتاب با پیشگفتار آقای باباخان محمدوف، وزیر فرهنگ جمهوری تاجیکستان سر می‌شود. دهها تن از اهل علم و ادب ایران گرامی، مانند: ناصر ایرانی، چنگیز پهلوان، پرویز ناتل خانلری، محمد رجبی، علی رواقی، علی اشرف صادقی، امین صدیقی، غلامعلی حدّاد عادل، علیرضا قزوه، رضا مصطفوی سبزواری، سعید نفیسی، پرویز ورجاوند، یاحقی، و... به فرارود رفته، در واقع به میهن خود تشریف آورده و سخنهای گرمی هم گفته‌اند و با این وسیله در آشنایی هموطنهای خود با روزگار تاجیکان خدمتهایی شایسته انجام داده‌اند. و دکتر شعر دوست نیز از جمله همین عزیزان به‌شمار می‌آیند. هنگام سروری ایشان به انتشارات بین‌المللی «الهدی» و «سروش» بیش از ده کتاب در زمینه ادب و فرهنگ تاجیک تهیه و چاپ و نشر شده‌اند که از جمله همین «چشم‌انداز...» نیز هست.

کتاب از مقدمه، بخشهای «نگاهی به گذشته»، «تکوین و تحول تصویر»، «درونمایه شعر»، «انواع شعر و تحول آنها»، «موسیقی و عوامل آهنگزا در شعر»، «تأثیر شعر ایران بر شعر معاصر تاجیکستان» و آخر سخن عبارت می‌باشد.

در کتاب، آنچنانکه انتظار می‌رفت، آثار شاعران توانا و شناخته تاجیک - مانند استادان: بازار صابر، مؤمن قناعت، لایق شیر علی، بانو گل رخسار از نگاه هنر و درونمایه نظر به دیگران بیشتر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

این کتاب برگردان همان است که دکتر شعر دوست با نام «چشم‌انداز شعر امروز تاجیکستان» در سال ۱۳۷۶ از طریق «الهدی» چاپ و نشر کرده بود. چنانکه دیده می‌شود، در چاپ تاجیکی، «تاجیکستان» به «تاجیک» تبدیل یافته است، یعنی که عدالت رفته برقرار شده: همگان می‌دانند، در روند ادبی تاجیک، ادیبانی حضور داشته‌اند و دارند که بیرون از مرزهای قومی تاجیکستانند. کتاب را به سرلیلی تاجیکی دکتر عبدالرحمن عبدالمتان برگردانده است.

«خورشیدهای گمشده»، با نمونه اشعار صد شاعر تاجیک از صد سال اخیر

این کتاب را شاعر معروف معاصر ایران، عضو فرهنگستان جهانی شعر در تاجیکستان، مسئول دفتر فرهنگ و ادب تاجیک در تهران، آقای علیرضا قزوه تهیه کرده‌اند، به خط فارسی برگردانده‌اند و مقدمه مفصلی (ص ۵۲-۱۵) نوشته‌اند؛ حوزه هنری در ۳۲۰ صفحه به طبع رسانده است.

بار نخست است که نمونه شعر صد سال اخیر تاجیک در یک مجموعه گرد آورده شده است؛ بار نخست است که صد شاعر تاجیک در یک کتاب جای گرفته‌اند؛ بار نخست است که شاعران معاصر ما از روی سن و سال خود دوره آراسته‌اند؛ بار نخست است که نام بعضی از شاعران - مانند: احمد میرامین زاده، عثمان عالم، آدینه میرک، لطفی شاه دادا، میرزا باقی، میرزا پیوند، میرزا شکورزاده، زینت شفق، ملا آجیک، میرزا مولان، و... - در مجموعه دستجمعی وارد شده است.

نمونه‌ها یک شعر و دو شعر، بیشتر سه‌چهارتایی‌اند. تنها از شاعران خوش استعداد: نظام قاسم و محمدعلی عجمی هفت شعری نقل شده است.

حسن توجه نویسنده پیشگفتار کتاب به ادب و فرهنگ تاجیک، در بسیار موارد، به ویژه ضمن بیان زبان و شیوه، روشن و هویدا است. مهم آن است که آقای قزوه به نکات ضعف شعر ما نیز متوجه بوده و راههای برطرف کردن آنها را با کمال داناتی نشان داده‌اند.

در فراورد مقدمه که خود یک پژوهشی است در زمینه شعر معاصر تاجیک، پاره‌ای از نوشته صمیمانه استاد بازار صابر نقل شده^۱:

«ما به اصل خویش، با کوله‌بار نیمه‌ای از زبان ساده، با کوله‌بار نیمه‌ای از شعر ساده، با کوله‌بار نیمه‌ای از تربیت ساده، با کوله‌بار نیمه‌ای دانش ساده، با کوله‌بار نیمه‌ای از موسیقی ساده برمی‌گردیم. امینم که با این مالهای ساده، ایران ما را از درس نمی‌رانند، ما این همه عمر در زیر قدم اجنبیان به امید ایران می‌زیستیم».

و آقای قزوه به این سخنان شاعر تاجیک یا بیتی از خواجۀ شیراز پاسخ گفته‌اند:
رواق منظر چشم من آشیانهٔ توست،
کرم نما و فرود آکه خانهٔ خانهٔ توست!

زبان و ادب فارسی در فرارود

نگارنده، مانند هر یک فرد تاجیک، آرزویی را می‌پرورید که در ایران مقدّس - سرزمین بهشتی فردوسی و خیّام و عطار و سعدی و حافظ و... - باشد، از هوایی نفس کشد که آن بزرگان نفس کشیده‌اند، به کوه و رود و دشتها نگاه کند که آن بزرگان نگاه کرده‌اند...

و سپس بر خداوند بزرگ که بر این آرزو رساند (هرچند از راهی دیگر)، و مدّتی است که در «قبلة ایران» (بازار صابر) به سر می‌برم. چون ایرانیان گرمای شوقی بی‌اندازه به فرهنگ و ادب تاجیکان دارند، و روزنامه و مجله‌ها درخواست می‌کردند، چندی مقاله و گزارش نوشته و به چاپ رسانده شدند. اخیراً دسته‌ای از آن نوشته‌ها گردآوری شد و مؤسسهٔ چاپ و انتشارات وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران به طبع رساند (۱۳۷۶، ۲۱۶ ص)

مجموعه این مقاله‌ها را در بر کرده است:

۱- فارسی در فرارود؛

۲- شمه‌ای از روزگار باستان - دربارهٔ واژه‌های ناب فارسی که در زبان تاجیکان هنوز هم زنده‌اند؛

۳- در شناخت فارسی تاجیکی - نقدی است بر کتاب خانم دکتر ایران کلباسی «ایران، تاجیکستان و زبان فارسی»؛

۴- فرارود زادگاه شعر دری؛

۵- نقد ادبی استاد رودکی؛

۶- عکس صدای کبری - نقدی بر ترجمهٔ ازبکی رباعیات شیخ نجم‌الدین کبری که آقای محمد نظر عبدالحکیم انجام داده است؛

۷- چو دیوان کمال افتد به دستت... - نقدی بر دیوان شاعر، تهیهٔ شادروان ایرج گل‌سرخ؛

۸- مقطعات شیخ کمال؛

۹- مراحل ادبیات نو فارسی تاجیکی؛

۱۰- دورهٔ معارف پروران؛

۱۱- ادبیات جدیدیه؛

۱۲- عینی صاحب مکتب است؛

۱۳- با مشعل فردوسی - نگاهی به روزگار و آثار استاد ساتم خان الغزاده؛

۱۴- ادبیات مقاومت تاجیک؛

۱۵- به سودارفته دنیا چون سمرقند و بخارایم... - نگاهی به روزگار و آثار استاد مؤمن قناعت؛

۱۶- شاعری یکرویه و یکزبانه - دربارهٔ استاد بازار صابر؛

۱۷- کاوه زنده است... - دربارهٔ شهید سجعان الله بابازاده.

انتظار می‌رود، جهت استفاده عامه دانشجویان و آموزگاران و استادان تاجیک، این کتاب به رسم الخط سریلی تاجیکی نیز طبع و نشر شود.

پنجمین همایش سالانه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه هرمزگان، با وجود سنی جوان، بر سنت شایسته‌ای ابتدا گذاشته: هر ساله همایش زبان و ادبیات فارسی را برپا می‌کند. در این همایشها استادان دانشگاههای سراسر ایران، و گاهی از کشورهای دیگر نیز، حضور می‌یابند و در سر ویژگی‌های مرحله‌ای از ادبیات به گفتگو می‌پردازند. پنجمین همایش، در تاریخ ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه ۱۳۷۶ خورشیدی برگزار شد و به مسائل زبان و ادبیات فارسی در سده‌های ششم و اوایل هفتم اختصاص داشت.

کار همایش با سخنان گرم و صمیمانه دکتر پرویز نورپناه، ریاست محترم دانشگاه هرمزگان آغاز یافت. همایش پربار بود: حدود ۲۵ گزارش پُربهای علمی ارائه شد. استادان دانشگاههای اراک، ارومیه، بیرجند، بین‌المللی امام خمینی، تربیت معلم، تهران، زنجان، سبزوار، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، مازندران، پژوهشگاه علوم انسانی از جستجو و باز یافت‌های علمی خود همکاران را در جریان گذاشتند. بخصوص گزارشهای دکتر حسین بوذری «نگاهی گذرا بر اندیشه‌های اجتماعی در آثار برخی از شاعران سده ششم»، دکتر جلیل تجلیل «ترندهای شعری خاقانی»، دکتر منوچهر دانش‌پژوه «قرن ششم دوران اوج و کمال نثر فارسی»، دکتر شاهد چوهدری «اوضاع ادبیات فارسی در سده ششم و هفتم هجری در شبه‌قاره هند و پاکستان»، دکتر عباس ماهیار «شیوه‌های درمان در سده ششم بر پایه قضااید رئایی خاقانی»، خانم دکتر غفت مستشارنیا «تصویر حروفی در شعر فارسی از آغاز تا سده هفتم هجری»، دکتر رضا مصطفوی سبزواری «شعر در نثر یا نثر در شعر»، ... مورد استقبال گرم قرار گرفتند. در کار همایش سه تن تاجیکستانی هم با گزارشهایی شرکت داشتند: آقای میرزا شکورزاده «قیاس فضای فرهنگی بخارای قرن ۶ با قرن ۱۴»، شاعر محمدعلی عجمی بمنر دبیری در چهارمقاله و نگارنده این سطرها «نگاهی به نظر نظامی عروضی بر شعر». همگان از زحمات دبیر همیشگی همایشها، دکتر سرور مولایی صمیمانه سپاسگزار بودند.

یک درخواست

هر ناشر و نویسنده می‌خواهد اثرش نشر شود؛ و خوانندگان روشندل می‌خواهند در جریان محیط ادبی و فرهنگی تاجیکان قرار داشته باشند. و مجله وزین و مشهور «کلک»، از روی همت والا، این لطف را اختیار کرده که همین ارتباط برقرار باشد. پس از اهل قلم و نشر درخواست می‌شود، تا آثار خود را در اختیار «بخارا» گذارند، به نشانی -

تهران - صندوق پستی ۱۶۶ - ۱۵۶۵۵ مجله بخارا